

ای آفریدگار پاک ترا می پرستم و از تو یاری می جویم

## ۱۶ آذر، روز دانشجو گرامی باد

### هم میهنان، دانشجویان گرامی

پنجاه و دو سال پیش در چنین روزی جوانان آرمانخواه هوادارن مصدق بزرگ که از شبیخون دشمن سخت خشمگین بودند، سینه سپر گلوله های مزدوران استبداد وابسته نمودند و خون جوشان سه دانشجوی دانشجو فنی مصطفی بزرگ نیا، مهدی شریعت رضوی و احمد قندچی درخت تناور ولی آسیب دیده جنبش ملی ایرانیان را آبیاری کرد و از آن هنگام ۱۶ آذر روز ایستادگی خونین طلابه داران روشنایی در برابر یورش وحشیانه قراولان تاریکی نام گرفت و یکی از درخشان ترین جلوه های رویارویی با سلطه و سلطه گری شد که به راستی فصلی نو در جنبش دانشجویی ایران پدید آورد و فرصتی شد در خور برای درهم شکستن جو اختناق و باوری رساندن به پیکارهای رهایی بخش ملی، از آن پس انجام این وظیفه بزرگ ملی بی هیچ وقفه ای دنبال یافت.

دریغا با دگرگون شدن ارزش های انقلاب و رنگ باختن آنها این کانونهای نگهداشت فروزه های فرهنگی، نخستین آماج تهاجم واپسگرایی قرار گرفت و در ورطه ی دهشتزایی فرو افتاد و دانشجویان این نبض توفنده ی انقلاب و نماد والایندگی نسل جوان در چنبر دسیسه های جوراجور گرفتار آمدند و چندی از یادگیری و پژوهش بی بهره ماندند و تلاش شد از صحنه سیاسی کشور هم دور بمانند. ولی دانشجویان آگاه نقش سرنوشت ساز خود را با همه کارشکنی ها و ممانعت ها در زندگی ملی از یاد نبردند و با بازگشایی دانشگاهها گذشته از گام برداشتن در راستای آموزشی همواره در نبرد با روند یکه تازی در صف نخست کارآوریهای ملی قرار گرفتند. و شماری از آنان با کیفیهای گوناگون همچون از دست دادن فرصت تحصیل برای همیشه و یا با زندانهای طولانی رو به رو شدند.

**هم میهنان!** آنگاه که جامعه در اوج نابسامانی و تباهی اجتماعی قرار گیرد و فضای اندیشه در مراکز آموزشی بسته و بسته تر شود بی شک نخستین پی آمد زشت آن فرار مغزها، رشد بیکاری و افزایش سرخوردگی اجتماعی خواهد بود که آینده میهن را با خطر جبران ناپذیری رو به رو می کند. در چنین زمانه ای است که ایران روزگار تلخ، سخت و حساسی را می گذراند. بریکایک جوانان میهن است راه دانش اندوزی ببیمایند و ایران را دریابند. آنچه امروز به صورت انگیزه ای پرتوان در هستی ملی در آمده است خواستاری ناوابستگی، آزادیخواهی، عدالت طلبی و حقوق بشر است. دیگر نمی توان اندیشه و وجدان جامعه را به بند کشید. حقانیت هر نظام سیاسی به تحقق خواسته های ملی، برابری کامل شهروندان به دور از تبعیض و فضای باز برخوردار از ایمنی قضایی سنجیده می شود.

حزب ملت ایران در هنگامه ای این چنین، نادیده انگاشتن حقوق ملت را بن پایه تمامی نابسامانی های میهن می داند و از همه دانشجویان آگاه می خواهد در راستای باز یافتن اسطوره ی همبستگی ملی برای برقراری مردم سالاری به بازسازی سازمانهای صنفی خود، رسالت تاریخ خود را به انجام رسانند.

پاینده ایران

پیروز باد ملت

برچیدن زندان سیاسی یک خواست ملی است

دروء بر دانشجویان مبارز ایران زمین

دبیرخانه حزب ملت ایران تهران، ۱۶ آذر ۱۳۸۴ خورشیدی

### میهن واقعی و مشترک ما، ...

بقیه از ص ۵

روشنفکران ایران، افغانستان، تاجیکستان در سال های گذشته، زهر ایدئولوژی های دینی یا لنینی را چشیده اند و از این راه، خسارات جبران ناپذیری متحمل شده اند. شاید بدور از واقعیت نباشد اگر بگوئیم: آنچه که بر ایران و افغانستان در سال های اخیر گذشته است - از جمله - محصول ایدئولوژی زدگی رهبران سیاسی و روشنفکران ایران و افغانستان بوده است.

من فکر می کنم که مشکل اساسی مردم ما، مشکل سیاسی نیست، بلکه - اساساً و عموماً - مشکل فرهنگی است. بارها دیده ایم که رژیم های سیاسی آمده اند و رفته اند، اما تغییرات مهمی در حیات و هستی اجتماعی ما پدید نیامده است.

بنابراین: اگر بپذیریم که فرهنگ و مشکل فرهنگی یک مسئله تاریخی است پس می توان گفت که مشکل جامعه ایران و افغانستان را باید بطور تاریخی حل و فصل کرد. یعنی: با یک پیکار فرهنگی درازمدت ...

نکته ای را که باید به آن توجه کرد اینست که: استقرار دموکراسی، آزادی، جامعه مدنی و حقوق بشر به مقدمات یا زمینه سازی هائی احتیاج دارد که به رشد و رونق شهرنشینی و خصوصاً به پیدایش نظام سرمایه داری بستگی دارد. بنابراین در یک جامعه ایلی و قبیله ای، استقرار آزادی، دموکراسی و جامعه مدنی، محال و غیرممکن است حتی اگر بجای «ملا عمر» مثلاً «منتسکیو» و «القوانین» ش بر جامعه حاکم باشد! ... در جوامع اسلامی (از جمله در ایران و افغانستان) فرهنگ عزا و مرثیه و زاری، و سنت ها و آئین های قربانی و شهادت، قرن هاست که توان هرگونه تفکر و تعقل و تعادل روحی را از مردم ما سلب کرده اند، در چنین جوامعی (خصوصاً با توجه به بافت ایلی - قبیله ای بعضی از این کشورها) سخن گفتن از آزادی، دموکراسی و جامعه مدنی، خواب و خیالی بیش نیست. من - البته - مخالف مذهب یا اسلام نیستم، اما معتقدم که اسلام هم - مانند ادیان دیگر - باید به تفاهم و تعاون اجتماعی کمک کند نه اینکه بدنبال حکومت یا قدرت سیاسی باشد. «اسلام سیاسی» هم به جنبه معنوی اسلام و روحانیت ضربه می زند و هم روند توسعه اجتماعی در کشورهای اسلامی را مشکل می سازد. ما باید خود را از این سنت خون و خشونت و از این آئین های مرگ و عزا و شهادت رها سازیم و با الهام از فرهنگ شاد نیاکان باستانی ما آینده بهتری را برای ملت های خود بسازیم. ادامه دارد

\*\*\*

### تسلیت

درگذشت شادروان دکتر سیروس یحیی زاده از فعالان دیرپای جبهه ملی و پیروان اندیشه مصدق را به بازماندگان آن روانشاد به ویژه به هم‌رزم گرامی آقای موسی یحیی زاده صمیمانه تسلیت می گوئیم.

### تسلیت

مرا ای مرد زندانبان رها کن که زندان تو عمرم را سرآورد  
بیا از پای من بردار زنجیر که زنجیر تو جانم را درآورد  
درگذشت شادروان عمر سلطانی «وفا» شاعر توانا کرد را که در  
سرودن اشعار پارسی از جایگاه ویژه ای برخوردار بود به هموطنان  
گرد صمیمانه تسلیت می گوئیم.

بیکاری بزرگترین عامل فساد و ناامیدی جوانان است